



[/https://www.irna.ir/news/83811637](https://www.irna.ir/news/83811637)

۱۷ خرداد ۱۳۹۹ - ۱۱:۳۲

کد خبر 83811637



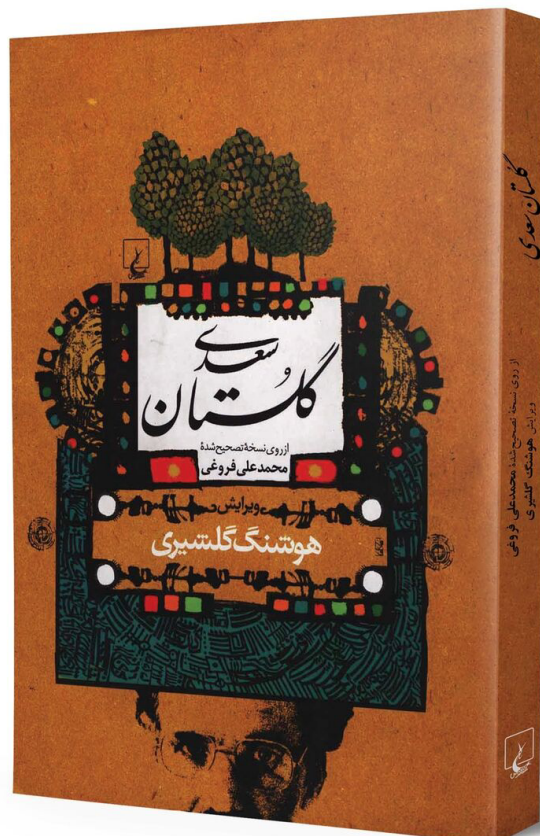
فرهنگ / کتاب و ادبیات

همزمان با بیستمین سال درگذشت نویسنده؛

رونمایی دست‌نوشته‌های هوشنگ گلشیری برای ویرایش گلستان سعدی

تهران- ایرنا- انتشارات ققنوس همزمان با بیستمین سالگرد درگذشت هوشنگ گلشیری مصادف با انتشار چاپ نهم از تصحیح این نویسنده از گلستان سعدی، بخشی از دست‌نوشته‌های او را در ویرایش این کتاب منتشر کرد.

به گزارش روابط عمومی گروه انتشاراتی ققنوس، برای نخستین بار در سال ۱۳۸۴ تصحیح مرحوم هوشنگ گلشیری از گلستان سعدی منتشر شد. این کتاب توسط مصحح در دهه شصت به انجام رسیده بود و پس از صرف دو سال زمان برای ویرایش آن در نهایت سال‌های پس از درگذشت نویسنده منتشر شده است.



۱۳۰
۱۳۰
ب طاعتی نعت بخشی محمد را در هم میخورد یا هر حق نعت بخشی از باب

را نادیده بگیرد.

(۷۵) ... : شایسته است.

۱۳۰
۱۳۰
... : سلطان که به بخشش زور به نگر خست کند، نمی تواند به حاجت بخشی با

ادعای نری کرد.

(۷۷) ... : برگاه جنگجویان باشد با رعیت به خدمت می پردازد، و در نه با رعیت می لرزد.

(۷۸) ... : اگر همین آنگاه در داد او کرد در پرتو دیر از میان رفت.

(۷۹) ... : بازار کار بر کن بود ب نظر خود ... : است از دشتن کار در آن.

(۸۰) ... : به چه دلیل همراهی برای مصاحبت، شیر را آتشی کردی؟

(۸۱) ... : برای خدمت از محرم خوش طبعی دوشی کرد هزار را بیت ...

کفایت ...

(۸۲) ... : در آمد اندک دارم و زن دوزخند بسیار دمی توانم با فقر اکتفا کنم.

(۸۳) ... : دیده از دیدار آن ناخوارم در فرسند که هرگز در خوشبختی را نخواهد دید؛ چرا که خود

در راهی بسوی مرد دوزخ دوزخند را در ستمی را می کند.

انتشارات ققنوس در پانزدهمین سالگرد انتشار این کتاب و همزمان با چاپ نهم آن، از بخشی از دست نوشته های این نویسنده در تصحیح گلستان رونمایی کرده است.

گلشیری به دلیل علاقه حیرت آورش به زبان و ادبیات فارسی بر این تصحیح، مقدمه ای موشکافانه درباره گلستان سعدی نیز نوشته است که بخش هایی از آن در ابتدای این اثر نیز منتشر شده است و نشانه تسلط قابل توجه نویسنده بر موضوعی است که درباره آن صحبت کرده است.

(۸۴) دگر... : و اگر به خط معاصرا هم بدید آید که سبب آرایش خیال شود تصدیق

عبره از منتهای کسر آن بخاطر سبب بر ذمه من خواهد بود .

(۸۵) ← یا برین بی خاطر دهم در وی رضایده ، یا جلد اول دست چپ بگذار ، یعنی با قبول کار در دنیا

گریهات را دست دیگر بدو داده رخ باس .

گریه خالصی وقت غم بود که بر یا شکایت از تو زمین فرصت کار خیر می ندانسته باشد .

(۸۶) ✓ در کار دنیا یا کار عین از خود می دانم . قدر کارت پاک باس و از کس ای برادر ، بر من ندانسته باشد ، که رختش با من صاف نام پاک را بر لب می زنند ؛ یعنی کسی را با تو کاری نخواهد بود .

(۸۷) که را... : چه کسی در فکرهای من خواهد بود .

(۸۸) تا آریاق ... : (رضای من است) ، تا با دهر (دیده زهر) (از کجای من است) (عنان دگر براد)

آوردن بیهوده بار زبده مرده ، برادرم است ، نخواهد در این آزادی مرا فراهم کنند دگر

کار از کار گذشته است . عنان : درایت کمتری ای را می گنجد : اصرا و اصرار و اصرار
(۸۹) اما... : اما عین در کین نشسته اند و آنرا که ترصدند تا بر ترسای ادبایی

بکنند ، انگیزش برت گرفته اند .

این کتاب بر پایه تصحیح محمدعلی فروغی از گلستان سعدی طبع شده است و به گفته مصحح در ابتدای کتاب، در کنار تصحیح غلطهای آشکار چاپی نسخه فروغی و اصلاح ابیات ساقط شده به پیشنهاد فروغی، مواردی چون رعایت اعراب گذاری به ویژه در زمینه بیان آیات قرآن و احادیث و نیز نگارش معنی جملات عربی، شرح ابیات و جملات دشوار و نیز درج یک کتابنامه در آن مورد توجه قرار گرفته است.

در بخشی از مقدمه هوشنگ گلشیری بر این کتاب می خوانیم: در میان همه کتابهای منثور فارسی و در طول هزاران سال و اندی که بدین زبان تصنیف و تألیف و ترجمه صورت گرفته است، گلستان سعدی از بیشترین اقبال فارسی زبانان برخوردار بوده است. در باب علت این اقبال سخن ها گفته اند: از ترتیب و تناسب گرفته تا رعایت نزاکت و ادب که همه را می توان در شرح مستوفای محمد تقی بهار در سبک شناسی او خواند. با این

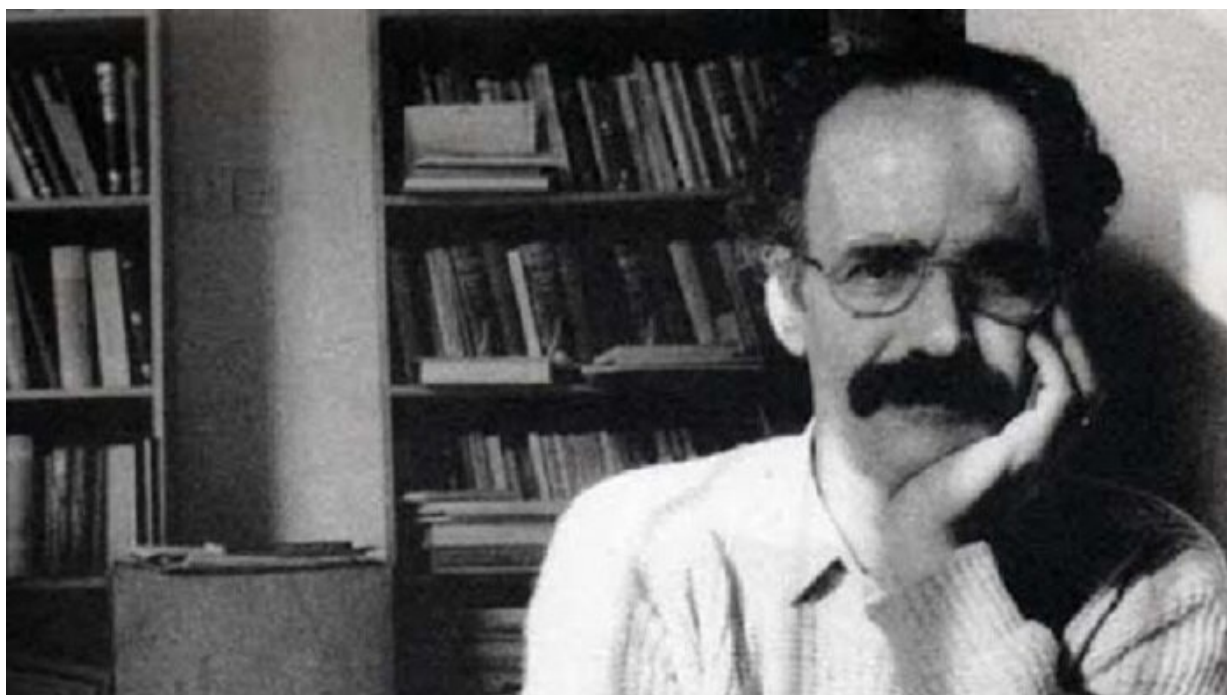
همه گرچه امروز ما دیگر بدین سیاق نمی‌گوییم و نمی‌نویسیم و از سجع و تلمیح و توالی بندهای منظوم و منثور پرهیز می‌کنیم اما هنوز از ایجاز اعجاز گونه سعدی به ویژه آهنگ گوش‌نواز کلام او لذت می‌بریم...

مروری بر زندگی‌نامه هوشنگ گلشیری

هوشنگ گلشیری در سال ۱۳۱۶ در اصفهان به دنیا آمد و در سال ۱۳۲۱ همراه با خانواده به آبادان رفت، وی از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۴ در آبادان اقامت داشت. پدرش کارگر بنا، سازنده مناره‌های شرکت نفت بود.

گلشیری اولین داستانش را در سال ۱۳۳۷ از زمانی که در دفتر اسناد رسمی کار می‌کرد نوشت. پس از گرفتن دیپلم، معلم شد و در سال ۱۳۳۸ تحصیل در رشته ادبیات فارسی را در دانشگاه اصفهان آغاز کرد. او تعدادی از داستان‌های کوتاه و چند شعر خود را در شماره‌های مختلف نشریه جنگ اصفهان به چاپ رساند و در سال ۱۳۴۷، این داستان‌ها را در مجموعه مثل همیشه منتشر کرد. وی رمان *شازده احتجاب* را در سال ۱۳۴۸، و رمان *کریستین و کید* را در سال ۱۳۵۰ منتشر کرد.

در سال ۱۳۵۳ به تهران آمد. در تهران به همراه عده‌ای دیگر از اهل قلم جلساتی هفتگی برگزار کردند. مجموعه داستان *نمازخانه کوچک من* (۱۳۵۴)، و جلد اول رمان *بره گمشده راعی* (۱۳۵۶) حاصل همین دوره بود. گلشیری در بهمن ۱۳۵۸ معصوم پنجم را منتشر کرد. سال ۱۳۶۱ آغاز انتشار گاهنامه نقد آگاه بود. مطالب این گاهنامه را شورایی متشکل از نجف دریابندری، هوشنگ گلشیری، باقر پرهام و محسن یلفانی (بعدها، محمدرضا باطنی) انتخاب می‌کردند. انتشار این نشریه تا سال ۱۳۶۳ ادامه یافت.



جبه‌خانه در سال ۱۳۶۲ و حدیث ماهیگیر و دیو در سال ۱۳۶۳ منتشر شد. گلشیری از اواخر سال ۱۳۶۴، با همکاری با مجله آدینه از اولین شماره آن، و پس از آن، دنیای سخن و پذیرش مسئولیت صفحات ادبی مفید برای ده شماره دور تازه‌ای از کار مطبوعاتی خود را آغاز کرد.

مجموعه داستان پنج‌گنج در سال ۱۳۶۸ (سوئد) فیلمنامه دوازده رخ در سال ۱۳۶۹، رمان‌های در ولایت هوا در سال ۱۳۷۰ (سوئد)، آینه‌های دردار (امریکا و ایران) در سال ۱۳۷۱ مجموعه داستان دست تاریک، دست‌روشن در سال ۱۳۷۴ و در ستایش شعر سکوت (دو مقاله بلند در باره شعر) در سال ۱۳۷۴ منتشر شد.

در کنار ادبیات و نقد معاصر، ضرورت شناخت متون کهن نیز از دلمشغولی‌های گلشیری بود. او به همراه دوستانی از اهل قلم در جلساتی هفتگی، که از سال ۱۳۶۱ آغاز شد و پانزده سالی ادامه داشت، بسیاری از آثار کلاسیک فارسی را بازخوانی و بررسی کرد.

در فروردین ۱۳۷۶، اقامتی ۹ ماهه در آلمان به دعوت بنیاد هاینریش بل فرصتی شد برای به پایان رساندن رمان جن‌نامه که تحریر آن را سیزده سال پیشتر آغاز کرده بود. در همین دوره، برای داستان‌خوانی و سخنرانی به شهرهای مختلف اروپا رفت و جایزه لیلیان هلمن / دشیل همت را نیز دریافت کرد. در زمستان ۱۳۷۶، رمان جن‌نامه (سوئد) و جدال نقش با نقاش انتشار یافت.

وی سردبیری ماهنامه ادبی کارنامه را در تابستان ۱۳۷۷ پذیرفت و نخستین شماره آن را در دی ماه همین سال منتشر کرد. در این دوره جلسات بررسی شعر و داستان نیز به

همت او در دفتر کارنامه برگزار می‌شد. یازدهمین شماره کارنامه به سردبیری او پس از مرگش در خرداد ۱۳۷۹ منتشر شد.

گلشیری در سال ۱۳۷۸ جایزه صلح اربیش ماریا رمارک را در مراسمی در شهر ازنا بروک آلمان دریافت کرد. در مهر ماه همین سال در آخرین سفرش در نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت شرکت کرد. سپس برای سخنرانی و داستان‌خوانی به انگلستان رفت. مجموعه مقالات باغ در باغ در پاییز ۱۳۷۸ منتشر شد.

هوشنگ گلشیری به دنبال یک دور طولانی بیماری، که نخستین نشانه‌های آن از پاییز سال ۱۳۷۸ شروع شده بود، در ۱۶ خرداد ۷۹ در بیمارستان ایرانمهر تهران در گذشت و در امامزاده طاهر در مهرشهر کرج به خاک سپرده شد.